

دستور

اللَّهُمَّ اَدِّمْ بِالْقُرْآنِ صَلَاحَ ظَاهِرِنَا



اولیا و علما از راهکارهای اعتلای نمازهای یومیه را آموختن اذکار و ادعیه جدید برای ذکر قنوت دانسته‌اند. در این راستا فرازهایی از دعا‌های واصله از ائمه معصومین (ع) می‌تواند طعم شیرین عبادت را به نمازگزار بچشاند. در این ستون به صورت هفتگی ادعیه‌ای به اشتراک گذاشته خواهد شد.

در فراز یازدهم از دعای چهل و دوم صحیفه سجاده‌یه می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ... اَدِّمْ بِالْقُرْآنِ صَلَاحَ ظَاهِرِنَا وَاجْتِبَ بِهْ خَطَرَاتِ الْوَسْوَاسِ عَنْ صَخَّةِ ضَمَائِرِنَا وَاغْسِلْ بِهْ دُرْنَ قُلُوبِنَا وَعَلِّقْ اُوزَارِنَا وَاجْمَعْ بِهْ مُنْتَشَرَ اُمُورِنَا» خدایا! به‌وسیله قرآن آراستگی ظاهر ما را تدوام بخش و خطرات و وسوسه‌ها را از پنجه انداختن به سلامت دروتمان بازدار و به سبب قرآن چرک دل‌های ما و وابستگی گناهان ما را به وجودمان بشوی و امور را به هم پاشیده ما را به قرآن سامان بخش.

منفورت‌ترین حلال



آیت‌الله شهید سید حسن نصرالله (ره):

حفظ خانواده مسئولیت بسیار بزرگی است. خیلی از همسران با اولین مشکل تصمیم به جدایی می‌گیرند. برادر من! دختران مردم اسباب بازی نیستند. این مسئله در مورد خانم‌ها هم وجود دارد؛ خیلی وقت‌ها دخترها هم اصلاً تحمل ندارند و با اولین مشکل می‌خواهند جدا شوند. مگر چند وقت از ازدواج شما می‌گذرد که طاققت سر آمده؟! خداوند طلاق را حرام نکرده تا همه راه‌ها بسته نشود. اما از آن با عنوان «منفور تر ین حلال» یاد می‌کند. حفظ خانواده مسئولیت بزرگی است. امروزه مسئولیت ما در حفظ خانواده‌های خواهران، مادران، همسران و دختران ما از هر زمان دیگری سنگین‌تر است. اولین نکته آن است که همگی باید بصورت‌تر باشیم. نباید کاسه صبر ما زود لبریز شود و طلاق را مطرح کنیم. اگر دختری صبر خود را از دست داد، پدر و مادرش باید به او کمک کنند. نمی‌گوییم رفتار سختگیرانه‌ای داشته باشیم. حرف من این است که باید منطقی و علاقه‌نا رفتار کنیم. باید بدانیم اگر طلاق، به اولین گزینه در حل مشکلات خانوادگی تبدیل شود، به جامعه، به خانواده و به دنیا و آخرت مردم آسیب‌های زیادی وارد می‌شود.

منبع: کتاب امین‌القلب؛ صفحه ۲۵ و ۲۶ (با تلخیص)

د

این اخلاق شیطانی را از خودت دور کن



آیت‌الله مصباح یزدی (ره):

اینکه آدم فکر کند که من کسی هستم، من درس خواندم و... این همانی است که ابلیس را ابلیس کرد: «اُنّی وَاَشْتَكِبُ» سر پیچید و تکبر ورزید. (بقره: ۳۴) ناخیه خودبزرگبینی آنقدر مفاسد پیدا می‌شود که هیچ آدم‌کشی اینطوری نمی‌شود. صدام اگر خراب بود به خاطر همین بود؛ محمدرضا شاه هم همین [خود بزرگبینی] جهنمی‌اش کرد؛ ترامپ هم همین. هر جا شما در آدمیزادها، مخصوصاً گلابه‌کنده‌هایشان، فساد و انحراف و سقوط می‌بینید، برای همین است؛ غرور... راه جلوگیری از این غرور این است که آدم از جوانی خودش را تربیت و توجه به ناجیز بودن خودش کند. این کار عملاً آدم را متواضع می‌کند. انسان در سخن‌کننده‌گویی نکند؛ در رفتار دنبال مقام و منصب و کرسی‌های خیلی بلند و این حرف‌ها نباشد. نه اینکه کم همت باشد، بلکه همتش در بندگی باشد.

منبع: سخنرانی معظم‌له در تاریخ ۱۳۹۶/۰۲/۱۹

د

۶ توصیه عالمانه در راه خودسازی



علامه محمد رضا حکیمی (ره):

من از سر پیری و سالخوردگی و با استفاده از فرصت به خود اجازه می‌دهم که چند نکته را در راه «خودسازی‌های عالی» و «شدن‌های متعالی» به جوانان تذکر دهم. تذکر سودمند است:

- ۱) از توجه به «نماز» و اهمیت آن غفلت نکنند.
- ۲) گاه‌گاه «در غیر ماه رمضان» نیز روزهای بگیرند تا بر حیوانیت نفس غلبه کنند.
- ۳) به ناچرمز توجهی نکنند و چشم خود را «پاک» نگه دارند تا به دیدن پاک‌ها موفق شوند. چشم ناپاک طبیعی است که پاک‌ها را نبیند. پاک‌ها را ببیند، پاک‌ها را ببیند و پس دیده بر آن پاک انداز!
- ۴) پاسدار ناموس دیگران باشند تا دیگران نیز پاسدار ناموس آنان باشند.
- ۵) در برابر محرومان خاضع باشند و گاه یک وعده غذایی کم و بی‌خورش بخورند تا به یاد انسان‌های محروم و بی‌پناه بیفتند و به آنان برسند.
- ۶) به اشراف و فاروانان به چشم خواری بنگرند تا شاید بین آنان گردند و وظائف مالی و خدماتی‌ای را که در برابر جامعه دارند، ادا کنند. در روایات رسیده است که حق محرومان در اموال توانگران است و باعث فقر و گرسنگی و وژر سیدین طبقات مستضعف و کم‌درآمد و بی‌درآمد به فر هنگ و تربیت توانگر اند؛ دوست داشتن محرومان نشان رضایت خداوند است.

منبع: ر سانه اختصاصی نشر افکار علامه محمد رضا حکیمی

د

متشکر دوست دلسوز باشید



آیت‌الله حاج آقا مجتبی طهرانی (ره):

انسان مراقب باشد اگر کسی به او عیبش را تذکر داد، اما به لحن سرنشینی، نخوابسته که سرکوفت بزند یا انسان را خفیف کند، بلکه با لحنی دوستانه و دلسوزانه تذکر داد. در خوا، خصوصی و پنهان تذکر داد، نه آشکار جلوی دیگران که آبروبریزی باشد. انسان باید از او تشکر کند. خیلی ممنون باشد که لغزش‌هایش را می‌گوید. متوجه باشد که او دوست و دلسوز من است. اگر دشمن بود، نمی‌گفت و انسان را راه می‌کرد. امام علی (ع) می‌فرمایند: «محبوب‌ترین مردم پیش تو کسی باشد که تو را به آن اموری راهنمایی می‌کند که موجب رشد توست و تو را نسبت به لغزش‌ها و عیوب آگاه کند.»

منبع: کتاب آفات زبان (عیب‌جویی و سخن‌چینی)؛ صفحه ۴۸

د



گفتاری از استاد شهید مرتضی مطهری (ره) در باب خودزیانی و خودفراموشی

نجات غریق خویشتن عبادت چگونه انسان را به خودباز می‌گرداند؟

تهیه و تنظیم: محمدصادق عبداللهی

خودباختگی و فراموشی خود دردی است که به خصوصی انسان در دوران مدرن و در لایه‌لای انبوهی از روزمرگی‌ها به آن دچار می‌شود. توجه به این مسئله آن هم از در پیچه نهج‌البلاغه و توضیح و تشریح استاد شهید مرتضی مطهری (ره) می‌تواند راهگشای این معضل باشد. استاد شهید در گفتاری که پیش رو دارد، با استناد به آیات قرآن و کلمات امیرالمؤمنین (ع)، توضیح می‌دهد که چگونه انسان خود را با «ناخود» اشتباه می‌گیرد، سرمایه وجودی خویش را می‌بازد و در دام خودفراموشی گرفتار می‌آید. او عبادت را عامل بازگشت انسان به خویشستن و خودیابی می‌داند و تأکید می‌کند که خودشناسی از خداشناسی جدا نیست و یاد خدا مایه حیات قلب و جلای دل است. متن کامل این گفتار در کتاب «سیری در نهج‌البلاغه» صفحات ۳۸۲ تا ۳۹۲ آمده است و اکنون تلخیص آن تقدیم می‌شود.

قرآن گاهی تعبیرات خاصی درباره برخی آدمیان به کار می‌برد، از قبیل «خودزیانی» یا «خودفراموشی» یا «خودفروشی». مثلاً می‌فرماید: «قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ» (سوره زمر؛ آیه ۱۵)؛ بگو زیان‌کرده و سرمایه‌باخته آن است که خویشتن را زیان کرده و خود را باخته است. برای یک ذهن فلسفی این سؤال پدید می‌آید که مگر ممکن است انسان خود را ببازد؟ باختن از دست دادن است و نیازمند به دو چیز است: یکی «بازنده» و دیگر «باخته‌شده‌واز دست‌رفته» چگونه ممکن است انسان خود را زیان کند و خود را ببازد و خود را از دست بدهد؟ آیا این تناقض نیست؟ همچنین مگر ممکن است انسان خود را فراموش کند و از یاد ببرد؟ انسان زنده همواره غرق در خود است، هر چیز را با اضافه به خود می‌بیند، توجهش قبل از هر چیز به خودش است، پس فراموش کردن خود یعنی چه؟

■ اشتباه خود با ناخود

انسان احیاناً خود را با «ناخود» اشتباه می‌کند و «ناخود» را «خود» می‌پندارد و چون ناخود را خود می‌پندارد آنچه به خیال خود برای خود می‌کند در حقیقت برای ناخود می‌کند و خود واقعی را متروک و مهجور و احیاناً مسموح می‌سازد. مثلاً آنجا که انسان واقعیت خود را همین «تن» می‌پندارد و هر چه می‌کند برای تن و بدن می‌کند خود را کم و فراموش کرده و ناخود را خود پنداشته است. به قول مولوی مثلش مثل کسی است که قطعه زمینی در نقطه‌ای دارد، زحمت می‌کشد و مصالح و بنا و عمله می‌برد، آنجا را می‌سازد و رنگ و روغن می‌زند و به فرش‌ها و پرده‌ها مزین می‌نماید، اما روزی که می‌خواهد به آن خانه منتقل شود یک مرتبه متوجه می‌شود که به جای قطعه زمین خود، یک قطعه زمین دیگر که اصلاً به او مربوط نیست و متعلق به دیگری است، ساخته و آباد کرده و مفروش و مزین نموده و قطعه زمین خودش خراب و به کناری افتاده است. امیرالمؤمنین علی (ع) جمله‌ای دارد که بسیار جالب و عمیق است، می‌فرماید: «عجبت لمن ينشد و شالته و قد اضل نفسه فلا يطلبها» تعجب می‌کنم از کسی که در جست‌وجوی گمشده‌اش برمی‌آید و حال آنکه «خود» را کم کرده و در جست‌وجوی آن بر نمی‌آید!

■ نقش غایت و اهداف انحرافی در کم‌کردن خود

غایات و اهداف انحرافی داشتن یکی از عواملی است که انسان، غیر خود را به جای خود می‌گیرد و در نتیجه خود واقعی را فراموش می‌کند و از دست می‌دهد و می‌بازد. هدف و غایت

انحرافی داشتن تنها موجب این نیست که انسان به بیماری «خودگم‌کردن» مبتلا شود، کار به جایی می‌رسد که ماهیت و واقعیت انسان مسخ می‌گردد و مبدل به آن چیز می‌شود. در معارف اسلامی باب وسیعی هست در این زمینه که انسان هر چیز را که دوست داشته باشد و به او عشق بورزد با او محسوس می‌شود. با توجه به آنچه از قطعیات و مسلمات معارف اسلامی است که آنچه در قیامت ظهور و بروز می‌کند، تجسم آن چیزهاست که انسان در این جهان کسب کرده، روشن می‌شود علت اینکه انسان همواره با آن چیزهایی محسوس می‌گردد که به آنها عشق می‌ورزد و علاقه‌مند است، این است که عشق و علاقه و طلب یک چیز، آن را در مرحله غایت و هدف باز یافتن خود، یک شرط (مهم) دارد، و آن شناختن و باز یافتن علت و موجب خود است. یعنی محال است که انسان بتواند خود را جدا از علت و آفریننده خود به درستی درک کند و بشناسد. علت واقعی هر موجود مقدم بر وجود اوست از خودش به خودش نزدیک‌تر است: «و تن اقرب الیه من حبل الوريد» (سوره قی؛ آیه ۱۶) و

■ خودیابی و خدایابی

باز یافتن خود، یک شرط (مهم) دارد، و آن شناختن و باز یافتن علت و موجب خود است. یعنی محال است که انسان بتواند خود را جدا از علت و آفریننده خود به درستی درک کند و بشناسد. علت واقعی هر موجود مقدم بر وجود اوست از خودش به خودش نزدیک‌تر است: «و تن اقرب الیه من حبل الوريد» (سوره قی؛ آیه ۱۶) و



سنت‌های نیک مردم را کمرنگ نکن

امام علی (ع):

لَا تَنْقُضَنَّ سُنَّةَ صَالِحَةٍ عَمِلَ بِهَا وَاجْتَمَعَتِ الْأَلْفَةُ لَهَا وَصَلَحَتِ الرَّعِيَّةُ عَلَيْهِا

سنت‌های نیک و شایسته‌ای را که مردم بدان خو گرفته و عمل می‌کنند و به صلاح آنان است، کمرنگ و منزّل مکن.

منبع: غرر الحکم؛ جلد یک؛ صفحه ۷۵۹

د



ضرورت حفاظت از اعمال نیک

آیت‌الله عبدالله جوادی آملی (حفظه‌الله):

انجام کارهای خیر هنگامی ثمر دارد که انسان بتواند در لحظه حضور در محضر ذات اقدس اله آنها را با خود همراه داشته باشد، نه اینکه با انجام برخی اعمال ناپسند همانند ریاکاری و فخرفروشی اعمال نیک خود را تباہ سازد. در نتیجه مهم‌ترین کار این است که انسان اعمال نیک خود را محفوظ نگه دارد. خدای سبحان اعمال نیک ما را مانند یک دانه در قلب ما سبز می‌کند تا از یک سو ایمان در قلب ما ریشه بدواند و از سوی دیگر ثمرات آن از زبان و چشم و دست ما خود را نشان دهد.

منبع: درس اخلاق مورخ ۱۳۹۴/۴/۲۰

د



خداپرستان خود را نمی‌بازند

علامه محمدحسین طباطبائی (ره):

ایمان، قوی‌ترین و محکم‌ترین تکیه گاهی است که انسان در بر تو آن هرگز در جزر و مد زندگی، دچار هراس و اندوه نمی‌شود. خداپرستان در هیچ حادثه‌ای خود را نمی‌بازند و در خویشستن احساس حقارت و زبونی نمی‌کنند، چه خود را به قدرت نامحدود خالق جهان پیوسته می‌دانند و در تمامی حالات به یاد او و در پناه او هستند؛ قلبی مطمئن و دلی نیرومند و آرام دارند.

منبع: کتاب تعالیم اسلام، صفحه ۳۲

د



شخصیت ملاک است نه طول سجده

آیت‌الله محمدعلی جوادان (حفظه‌الله):

این مطلب، یک اصل اساسی است که بارها در روایت آمده است و می‌فرماید: به زیادی نماز و روزه یا مثلاً طول سجده و رکوع افراد نگاه نکنید، بلکه ببینید وقتی حرف می‌زنند، راستگوست یا نه؟ در کلام و رفتار، ش، مانندار است یا خیانتکار؟ در اینجا آدمی معلوم می‌شود. چون ممکن است نماز طولانی عادت شده باشد، اما راستگویی، یک خصوصیت و شاکله اخلاقی است که آدم باید نوعی شخصیت ساخته و پرداخته داشته باشد تا بتواند در تمام حالات زندگی راست بگوید.

منبع: کتاب حدیث اندرز؛ صفحه ۱۰۸

د